ورود امر ولایی در تعیین قوانین مربوط به حوزه شهرسازی

بهزاد وثیق*[1] / مهدی زارع[2]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۳/۱/۱

چکیده

در حکومت دینی ولی‌فقیه مسئول نظارت بر شئون و تعیین خط‌مشی‌های جامعه اسلامی می‌باشد. یکی از این موضوعات، سرپناه و تأمین مسکن است. در این راستا ولی‌فقیه ولایت خود را در ضابطه‌های حوزه معماری و شهرسازی جاری می‌کند. در این تحقیق تلاش می‌شود تا براساس قوانین فقهی، میدان بسط ید ولی‌فقیه در صدور امر ولایی تبیین گردد. روش تحقیق مبتنی بر روش اجتهادی و گردآوری اطلاعات براساس داده‌های کتابخانه‌ای انجام‌شده است. آزمون تحقیق نیز بر اساس استنتاج منطقی خواهد بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان براساس موضوعاتی مانند مصلحت، احکام متغیر، منطقه الفراغ و بسط ید حاکم شرع، قاعده نفی ضرر، اتلاف و تسبیب، نفی عسر و حرج، لزوم اعمار و آبادانی زمین، عدم جواز تعطیل المال، حرمت تجمل و اسراف، تعارض و تزاحم، تلازم حکم عقل و شرع و نیز استثناء در سلطنت بر اموال حوزه بسط ید ولی‌فقیه در احکام مربوط به شهرسازی را تدوین نمود.

آباد

دوره ۲۸، شماره ۸۹، بهار۱۴۰۳
۷-۱۸

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی، ولایت‌فقیه، معماری مسکونی، شهرسازی، قواعد فقه.

۱- دانشیار معماری گروه معماری دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.
۲- استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.

* نویسنده مسؤول: vasigh@jsu.ac.ir

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

مقدمه

مسئله سکونت و ابعاد معنایی-کالبدی آن از ابتدای خلقت به‌مثابه نیازی اولیه مطرح بوده است. با برپایی انتظام اجتماعی مسئله سکونتگاه مناسب یکی از دغدغه‌های اصلی حاکمان و جامعه بوده است به صورتی که این موضوع یکی از زمینه‌های تدوین قانون است. در این تحقیق مساله مسکن از آن جهتی که در راستای مقاصد شریعت و دین قرار دارد؛ موردتوجه قرار گرفته است. حکومت دینی از این لحاظ که برپایه مفاهیم اسلامی شکل یافته؛ همانند خود دین، در همه شئون دارای برنامه‌هایی در حوزه اندیشه و اجرا است. «معیار دینی بودن نظام، تحقق اهداف و غایات دینی است؛ و ممکن است متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سطح آگاهی مردم، رسیدن به این اهداف از روش‌های گوناگونی باشد. نظام دینی، صرف‌نظر از اهداف عرفی، با این منظور که غایات دین را دنبال کند؛ به وجود آمده و جهت‌گیری‌های معنوی دارد (منتظری، ۱۴۲۹ ه.ق.: ۲۶ و نایینی، ۱۴۲۴: ۱۳۳) یک حکومت زمانی دینی است که علاوه بر رعایت مصالح عرفی، موازین شرع را نیز در نظر بگیرد. لذا حاکم در بسیاری از امور ورود کرده و تلاش دارد تا با تدوین قوانینی، سازوکار مسکن مطلوب را بیان دارد. قانون در کلیت خود نمی‌تواند ورود به مسائل و موضوعات تخصصی کارشناسی داشته باشد لذا از منظر تخصصی تلاش شده است تا به موضوع فوق‌الذکر ورود شود. از آن‌جایی که سبک زندگی و ارتباط محکم آن با مسئله شهرسازی و کالبد مسکونی از امور مورد تأکید مداوم رهبر معظم انقلاب اسلامی است و با سعادت و شقاوت جامعه مرتبط است لذا ورود به این امر از سوی ولی‌فقیه موجه است از سوی دیگر مستحدثه بودن امور سبب می‌سازد تا در زمان‌های مختلف از زوایای جدید و متناسب با اقتضائات نو نگریسته شود. ابزارهای متعددی مانند فلسفه، کلام، تفسیر، فقه و عرفان جهت بررسی موضوع وجود دارد؛ با این حال تمرکز این تحقیق صرفاً بر روی فقه است. فقه در این میان می‌تواند یکی از ابزارهای فهم موضوع و پیشنهاد و یا توصیه در شکل‌دهی به راه‌حل باشد. در آیات قرآن به مسکن مطلوب معماری اشاره شده است همچنین در روایات اولیای دین می‌توان به نکاتی در موضوع معماری دست یافت. لذا زمینه ورود فقه به مسکن وجود دارد؛ با این حال امکان فقهی ورود ولی‌فقیه در حوزه قوانین موردبحث قرار نگرفته است. هدف اصلی این تحقیق آن است که ظرفیت فقه در تشریح امر ولایی در حوزه مسکن و شهرسازی بیان کند.

پیشینه پژوهش

مولایی (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی جایگاه قاعده فقهی عسر و حرج در شهرسازی اسلامی پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که شهر اسلامی محل تجلی و کاربست قواعد فقهی و از جمله قاعده لاحرج می‌باشد به‌طوری که مطابق قاعده لاحرج، در شهر اسلامی‌باید زمینه عمل به احکام الهی فراهم شود و برنامه‌ها و طرح‌ها و اقدامات باید آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم نمایند؛ بنابراین شهر اسلامی حامل قاعده لاحرج بوده و حرج‌های شهری باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری پیش‌بینی و در نظر گرفته شوند. عندلیب (۱۳۹۷)، به بررسی قواعد شهرسازی از منظر فقه پرداخته است. او بر این باور است که فقه اسلامی بر اساس اصول و قواعدی همچون: لزوم عمران و آبادی زمین، مصلحت، عدم اضرار به انسان‌ها و محیط‌زیست، حرمت اتالف و...بر مقوله شهرسازی حکم‌فرما است. گل خطمی و حقیقت‌بین (۱۳۹۵)، به بررسی کاربرد فقه در تحقق منظر شهری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش، نشان می‌دهد با تکیه‌بر منابع فقهی و حضور مجتهدان در جلسات تدوین اصول مدیریتی و اجرایی شهر، می‌توان زمینه‌های لازم برای ظهور مفاهیم و آموزه‌های دینی مرتبط با شهر و زندگی اجتماعی شهروندان را در منظر شهری فراهم نمود. شهیدی پاک (۱۴۰۰) به بررسی مبانی نظری شهرنشینی و شهرسازی و قواعد رفتار شهروندی در تمدن اسلامی پرداخته است. وی نشان می‌دهد که امکان ارایه طرح جامع مدون کاربردی د ر مورد رفتار شهروندی و حقوق فردی و اجتماعی شهرسازی بر پایه مصادر غنی اسلامی و فکر فلسفی وجود دارد زیرا تجارب شهرسازی اسلامی وقوع آن را ثابت کرده است.

چارچوب نظری تحقیق

آموزه‌های وحیانی دین در بسیاری از حوزه‌های حیات انسانی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم اعم از مسائل مادی و غیرمادی مانند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ارتباطات فردی و اجتماعی و... ورود پیدا نموده و برای هدایت بشر جهت رسیدن به حیات طیبه انسانی، احکام و دستورالعمل‌های لازم را ارائه نموده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶). بر مبنای اصول نظری دین اسلام، نظام هستی بر پایه نظمی خاص از قوانین ایجاد شده است که این قوانین در حقیقت از عوامل تداوم‌بخش اصل وجود در اجزای هستی و مسیر زندگی انسان تلقی می‌شوند (لک زایی و فلاح، ۱۳۹۴). در دیدگاه امامیه، علم فقه با کشف و بیان احکام الهی در زمینه‌های مختلف در راستای پاسخگویی به نیازهای مادی

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

و معنوی انسان، متکفل کشف و تبیین قسمت اعظم این قوانین در زندگی فردی و اجتماعی انسان است که پایه آن را قواعد فقهی حاکم بر این قوانین جزئی تشکیل داده که از منابع معتبر اسلامی مانند قرآن و روایات و عقل استخراج می‌شوند (موسوی و امیر، ۱۴۰۰). ضرورت ابتنای احکام در موضوعات حکومتی بر شریعت ضروری است؛ چرا که حاکم دین نمی‌تواند بدون ضابطه در اجرای احکام شرعی مداخله یا تکلیف جدیدی بر مردم تحمیل نماید. در بعضی از امور مانند مسائل مستحدثه‌ای که حکم و تنصیص مستقیمی در کتاب و سنت یافت نمی‌شود؛ از قواعد عام فقهی به عنوان راهگشا، برای احکام حکومتی می‌توان بهره برد (محمودیان و عربیان، ۱۳۹۵). در اینجا قواعد فقهی، دستورهای کلی فقهی هستند که در ابواب راه دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱، ۱۷).

از سوی دیگر در مقایسه بین فقه خرد و کلان می‌توان چنین دریافت نمود که حوزه شهرسازی و معماری از منظر مقیاسی که فقیه به آن نظر دارد می‌تواند در فقه کلان و خرد تعریف شود. فقه کلان مربوط به فقهی که گاهی به فقه حکومتی یا فقه حکومت تعبیر می‌شود. فقه خرد، آن فقهی است که حکم تبیین شده در آن متوجه مخاطبِ فرد و مخاطب شخص است (اراکی، ۱۳۹۹). احکامی از فقه خُرد که می‌توان ادعا کرد با این حکم فقه کلان عمران شهری تلازم عادی ثبوتی دارند عبارت‌اند از: کراهت ارتفاع ساختمان، بیش از هشت ذرع؛۲. استحباب وسعت خانه مسکونی؛۳. استحباب رعایت حریم در ساختن منازل مسکونی۴. استحباب رعایت حریم در ساختن مساجد؛۵. کراهت ارتفاع مناره مساجد بیش از ارتفاع سقف مسجد؛۶. کراهت بالکن‌سازی- و به تعبیری اجنحه خارجه الی الطریق- در ساختمان‌ها ۷ استحباب رعایت اوقات نماز؛۸. استحباب استهلال و رعایت اوقات صیام و افطار؛۹. استحباب تدبر در آیات آسمانی، به‌خصوص پیش از نماز شب (رجبی، ۱۴۰۰ و رئیسی، ۱۳۹۶). لذا از این حیث نیز ولی‌فقیه لازم است تا با ورود در دو حوزه فقه خرد و کلان، در هر دو سنجه شهرسازی و معماری قوانین را تثبیت و یا تعریف نماید. از نقطه‌نظری دیگر، احکام حکومتی احکام و قوانینی هستند که تابع شرایط زمان و مکان بوده و در چارچوب قوانین ثابت و با رعایت اصول و مبانی ارزشهای اسلامی با توجّه به ضرورتها و نیازمندیهای جامعه اسلامی از سوی ولی امر وضع میگردد، اصطلاحاً «احکام حکومتی» یا «احکام ولایتی» و یا «احکام سلطانیه» میگویند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲، ۱۰۹) همچنین برای احکام دینی و موضوعات فقهی، تقسیمات گوناگون ذکر شده است. تقسیماتی مانند احکام عبادات و احکام معاملات، موضوعات فردی و موضوعات اجتماعی. برخلاف احکام و موضوعات عبادی که عقل توان ادراک تمام مناطات آن‌ها را ندارد؛ در امور اجتماعی و غیرعبادی، بنای عقلاء یک ملاک برای کشف مصلحت و مفسده است (صرامی، ۱۳۸۰: ۴۷). چرا که در موضوعات اجتماعی عقلاء با بهره‌مندی از توان عقل و استفاده از تجارب بشری می‌توانند به مطالب ارزنده‌ای دست یابند (شریفی,۱۳۹۴)؛ در امور اجتماعی مراجعه فقیه به عقلاء و یا عرف مؤمنان جهت فهم مصلحت دار بودن افعال، امری جایز است (شیرازی، ۱۳۹۸). البته منظور از عرف، چیزی است که در میان مردم متدین متداول است، با نص شرعی مخالفتی ندارد، مصلحتی را از میان نمی‌برد و مفسده‌ای نیز به بار نمی‌آورد (فقیهی، ۱۳۹۱: ۱۹۵). لذا ولی‌فقیه به‌عنوان مرجع دینی-سیاسی برپایه اصول فقهی می‌تواند در شئون مختلف زندگی مؤمنین ورود نماید (قیصری و خانی آرانی، ۱۳۹۰). معماری و شهرسازی یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها است. با این حال باید خاطرنشان کرد که حوزه ورود امر ولایی در اجرا و جزئیات موضوعاتی مانند قوانین نظام‌مهندسی و آیین‌نامه‌ها نیست و ولی‌فقیه نیاز به ورود در این موارد ندیده و از طریق سازوکار عرف عام و یا عرف خاص موارد حل‌وفصل می‌شود. در ادامه با تکیه‌بر قواعد فقهی تلاش شده است تا با بحث در هر موضوع ابعاد ورود ولی‌فقیه به آن تبیین شود.

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش اجتهادی با استفاده از منابع اسلامی انجام شده است. اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در ابتدا موضوع تحقیق شناسایی شده و سپس با رجوع به منابع برای کشف حکم، با مراجعه مستقیم به قرآن و یا غیرمستقیم تعیین می‌شود. در گام بعد براساس قیاس، مصادیقی در حوزه مطالعه بیان می‌شود. در ادامه آن دسته از قواعد فقهی که به استناد آن‌ها می‌توان مسئولیت داشتن حکومت دینی در قبال مقوله مطالعه را مورد ارزیابی قرار داد، ذکر خواهد شد.

۱- مصلحت: مصلحت عبارت است از اعمالی که انسان را به منافع می‌رساند (معلوف، ۱۳۷۷: ۱، ۶۱۱ و دهخدا، ۱۳۴۲: ۱۲، ۱۸۴۱). مسئله مصلحت در عبارات فقها شیعه در غالب موارد، ذیل مبحث اختیارات حاکم شرع و متولی حکومت دینی طرح گردیده است. مطابق فقه امامیه، کسانی که شرعاً حق دارند به عنوان ولیّ در امور دیگران تصرف کنند، تصرفشان فقط در محدوده مصلحت معتبر است. یکی از این افراد، حاکم جامعه اسلامی است که حق دارد در امور مختلف جامعه اسلامی دخالت و تصمیم‌گیری کند (نراقی،

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

۱۴۱۷: ۵۶۰ و ۵۶۱) چنان که به عقیده برخی از فقها، حاکم مسلمین حق دارد آنچه را که به صلاح مسلمین است انجام دهد و با استناد به عنصر مصلحت با حدود و ضوابط شرعی، احکام و مقررات جدیدی وضع کند. (نائینی، ۱۳۷۷: ۱۳۰؛ صدر، ۱۴۱۷: ۳۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۹؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۲، ۶۳) رعایت مصلحت جامعه از مهم‌ترین اموری است که توجه به آن بر ولی‌فقیه لازم است و همه اختیارات حکومتی فقیه لزوماً در محدوده مصالح امت اسلامی اعمال می‌گردد (جوان آراسته، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۳۱). مصلحت در احکام حکومتی با دو مرحله شامل استنباط و استخراج احکام توسط ولی امر و حاکم حکومت اسلامی و مرحله دوم اجرا آن حکم در جامعه و بین مسلمین می‌باشد؛ ارتباط دارد. مطابق روایت، مصالح دو دسته هستند: یک دسته از آن‌ها مصالحی هستند که مأمور بها می‌باشند. بنابراین اگر اموری وجود داشته که دارای مصلحت باشند، اما مأمور بها نباشند شارع عمل به آن‌ها را جایز دانسته است و چنانچه از اموری باشد که از جنبه‌های شخصی فرارفته و دارای تبعات اجتماعی باشد، مسئولیت تعین حدود و نحوه انجام آن، از وظایف حکومت دینی می‌باشد (ابوالحسنی، ۱۳۸۷). نتیجه اینکه هم به درک عقل، هم به تشخیص عقلاء و هم عرف، شهرسازی و مسکن مطلوب دارای فوایدی است و لذا قطعاً دارای مصالحی نیز هست. گرچه جزء مواردی است که شارع مستقیماً به آن‌ها امر نکرده؛ اما مطابق روایت نمی‌توان آن را بدون حکم رها کرد؛ بنابراین ورود حاکم شرع به آن امری موجه و مشروع است و به لحاظ فقهی مسئولیت دار بودن حکومت دینی در قبال آن، مورد امضای شارع مقدس است (لاریجانی و غلامی ابرستان، ۱۳۹۰). در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها در حوزه شهرسازی همواره باید مصلحت عمومی مدنظر قرار گیرد. مصلحت عمومی شامل مصالح مادی و معنوی مسلمین و محیط‌زیست است (بالوی و دیگران، ۱۳۹۹). ولی به عنوان فرمانده جامعه می‌تواند برحسب شئون فرهنگی، ملاحظات امنیتی و دفاعی؛ تاب‌آوری اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، عدالت اجتماعی، حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی ایرانی و حراست از میراث فرهنگی و... بر آمایش سرزمین یک منطقه و یا کل کشور ورود مصالحانه نماید. به عنوان مصداق، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اجرای بند یک اصل ۱۱۰، سیاست‌های کلی محیط‌زیست را ابلاغ کردند (url4). در این فرمان، مواردی مانند توجه به مدیریت جامع، نظام‌مند منابع حیاتی، ایجاد نظام یکپارچه ملّی محیط‌زیست. رعایت عدالت و حقوق، پیشگیری از انتشار انواع آلودگی غیرمجاز، پایش مستمر و کنترل منابع و عوامل آلاینده و مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی طرح شده است که تمامی بر حوزه صنعت ساخت‌وساز و شهرسازی مترتب است.

یافته‌های تحقیق

۲- اختیارات حاکم اسلامی در احکام متغیر: قوانین در اسلام به دو دسته احکام ثابت الهی غیرقابل تغییر و دوم مقرراتی که امام مسلمین در چارچوب احکام ثابت شریعت وضع می‌نماید؛ تقسیم می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۲، ۳۲۰) غالب مواردی که تحت این ضابطه قرار می‌گیرند مسائل مستحدثه‌ای است که مربوط به امور اجتماعی و حکومتی می‌باشند (شوشتری مرعشی، ۱۴۲۷: ۱، ۳۹). در چنین مواردی بیان حکم بر عهدهٔ ولی امر است که براساس قواعد کلی شریعت، حکم الهی را در این باره تعیین می‌نماید. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۲، ۳۲۱) مطابق چنین دیدگاهی حکومت اسلامی وظیفه وضع قوانین متناسب با ظرفیت‌های زمانی- مکانی دارد تا مقاصد عالیه موردنظر اسلام و مصالح عام مسلمین، تحقق پیدا کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۵). ولی امر مسلمین که از نقطه‌نظر اسلامی تعیین پیدا کرده باشد، نظر به ولایت عمومی که در منطقهٔ حکومت خود دارد تصرفی را که یک فرد در محیط شخصی خود می‌توانست بکند، او در محیط زندگی عمومی می‌تواند انجام دهد. او می‌تواند در سایهٔ تقوا و رعایت احکام ثابتهٔ دین، مقرراتی را مثلاً برای راه‌ها، معابر، خانه، کاشانه، بازار، نقل، تحویل، کسب‌وکار و روابط طبقات مردم وضع نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۳) مقام معظم رهبری در پیام به مناسبت آغاز به کار شوراها، تأکید می‌فرمایند؛ باید حفظ هویت و اصالت شهرها و پایبندی به معماری اسلامی-ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام برجسته شود (url2). ایشان همچنین در ابلاغیه‌ای به مواردی مانند، محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی اشاره نموده‌اند (url3).

۳- منطقه الفراغ و بسط ید حاکم شرع: یکی از قواعدی که برای تعیین تکلیف موضوعاتی که بیان و حکم صریحی از لسان شارع درباره آن‌ها صادر نشده باشد؛ به آن متفطن شده‌اند، «منطقه الفراغ» است که به نظر می‌رسد به سبب آن می‌توان وظیفه‌ای دینی برای حکومت اسلامی نسبت به مقوله شهرسازی تعریف کرد[۴] این منطقه دربردارندهٔ همهٔ موضوعاتی است که انتخاب حکم در آن از جانب شارع مقدس به مکلّفان فرانهاده شده است (کاویار و مهاجری، ۱۳۹۶). وضع احکام در این منطقه، با رعایت مصالح اسلام و به شرط عدم تعارض با قانون اساسی به عهدهٔ قوهٔ مقننه

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

است. (صدر، ۱۴۱۷: ۱۰ و ۱۱). در چنین منطقه‌ای اختیار امر به دست ولی امر مسلمین یا همان حاکم دولت اسلامی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۲۳) با توجه به محدوده مذکور برای این منطقه در عبارات قائلین و نیز با ملاحظه عدم وجود تکلیف شرعی و الزامی برای حکومت دینی نسبت به پدیده مسکن به عنوان اولیه؛ می‌توان مسئولیت حاکمان اسلامی درباره مقوله مسکن و تعیین وظایف ایشان را داخل در این منطقه دانست. منظور از مطلب فوق جزئیات حوزه معماری نیست با این حال در ابلاغ سیاست‌های کلی که خود ناظر بر اجرای جزئیات است، مانند دستورالعمل بند ۱۱۰، جامعه از ولی‌فقیه به عنوان حاکم جامعه اسلامی متوقع است تا در این امور ورود مصلحانه نماید.

۴- نفی ضرر: قاعده موردپذیرش فریقین است که فقهای شیعه و سنی در بسیاری از ابواب فقهی به آن استناد جسته‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱، ۲۳) بزرگان فقه در توصیف آن فرموده‌اند: «در حقیقت شارع با قاعده لاضرر اعلام می‌دارد که حکمی که موجب ضرر است در دین وضع نگردیده؛ خواه حکم وضعی باشد یا تکلیفی» (مشکینی، ۱۳۷۳: ۲۰۳) مرحوم فاضل نراقی در عین حال که می‌فرماید قاعده لاضرر صرفاً صلاحیت دارد تا حکم ضرری موجود را مرتفع نماید، می‌افزاید تنها در صورتی می‌توان براساس قاعده حکمی را جعل نمود که نبود حکم موجب ضرر باشد و انتفای ضرر نیز فقط با جعل آن حکم ممکن شود (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۵) می‌توان تجلی قاعده لاضرر را در قوانین شهرسازی و معماری به صورت موارد زیر مشاهده نمود. اجبار همسایه را برای تعمیر دیوار مشترک در صورتی که ضرر به طریق دیگر ممکن، نباشد مجاز دانسته است. صاحب دیوار مشرف به خرابی را به تخریب آن به علت ترس از اضرار به غیر پذیرفته است. تصرف مالک در ملک خود را در صورت اضرار به همسایه ممنوع کرده است. جز در شرایط (معین) تصرف در حریم را به منظور جلوگیری از ضرر به صاحب حریم منع کرده و میزان حریم را نیز به اندازه‌ای معین کرده است که برای دفع ضرر کافی باشد. و درنهایت تقسیم مال مشترک و یا تفکیک ملک مشترک را در صورتی که متضمن ضرر شریک، باشد بدون رضایت او ممنوع کرده است؛ و به هم زدن تقسیم را به لحاظ ظهور عیب و نقص در سهم یک یا چند نفر از شرکا به لحاظ ضرر وارده جایز شمرده است (سیفیان، ۱۳۷۶، ۷۶). علاوه بر این موارد و به مرور زمان و ایجاد معضلات و موضوعات جدید می‌توان این قاعده را ملاک تصمیم‌گیری و برنامه‌دهی دانست.

۵- قاعده اتلاف و تسبیب: تسبیب در منابع فقهی به معنای انجام بی‌واسطه یک کار در برابر مفهوم مباشرت در انجام یک فعل به کار می‌رود که هر دو، یعنی تسبیب و مباشرت، از اقسام اتلاف و از اسباب مهم ضَمانند (میرحسینی و آب‌سواران، ۱۳۹۳)؛ البته در مواردی نیز در برابر اتلاف به کار رفته که مراد از آن اتلاف به معنای عام نیست بلکه اتلاف بالمباشره در تسبیب، اتلاف مال یا جنایت بر نفس به‌طور غیرمستقیم و با زمینه‌سازی است (دیلمی، ۱۳۹۹). با استفاده از تسبیب می‌توان مسئولیت مدنی دولت در قبال تمام اعمال سلبی و ایجابی اعضای کارگزارشان را به عنوان اتلاف غیرمستقیم مطرح نموده، ذیل قاعده اتلاف موجب ضمان دولت در قبال اعمال کارگزارشان محسوب کرد، چرا که مسئولیت مدنی دولت در مفهوم سلبی آن گستردگی زیادی دارد و تمام زیان ناشی از عدم انجام وظایف و تعهدات قانونی و شرعی کارگزاران دولت که سبب این اتلاف بوده را دربر گرفته، دولت در قبال آن ضامن خواهد بود (اسدی، ۱۳۹۷). آن‌گونه که محقق حلی در خصوص این نوع ضمان در حوزه غیردولتی ذکر کرده‌اند؛ مانند حفر چاه در سر راه مردم، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک دیگری، شهادت دروغ دادن بر ضد کسی و یا باز کردن در قفس حیوانات هر موضوعی که موجب تلف یا وارد آمدن خسارت شود؛ شامل این موضوع است (دانش نهاد و علیشاهی، ۱۳۹۸). قاعده اتلاف، تنها ناظر به خسارات مالی نیست، بلکه ضرورت جبران خسارات، از جمله خسارات معنوی نیز از آن قابل استنباط است؛ چرا که طبق ادله مورد استناد، مفاد قاعده این است که هرکس موجب خسارت در مال، منافع، جان، آبرو، حیثیت و یا هر حق دیگر شود، ضامن است و اختصاص به تلف مال ندارد (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱). چنانچه که مال و فرصتی از مسلمان پنهان و یا ایجاد نشود مصداق این قاعده است. انجام دادن فعالیت‌های نامناسب و افزایش آلودگی‌های بصری و سد نمودن مسیر عبور و مرور شهروندان، استفاده از تراکم غیرمجاز، عدم تأمین پارکینگ لازم در شهر و مجاز در هر کاربری، احداث ساختمان به‌گونه‌ای که موجب کاهش محرمیت و نورگیری، پیش‌آمدگی خانه‌ها به سمت معابر و ایجاد ناامنی در حرکت پیاده و سواره، از سویی و عدم تغییر کاربری فضاهایی که می‌توانند باعث رفاه شده و یا ثروتی ملی را احیا نمایند از مصادیق قاعده اتلاف است. در حوزه کلان‌تر هرگونه آمایش سرزمین که در طی آن فرصت تولید سرمایه برای جامعه اسلامی فراهم نشود و یا مسلمین را از یک رفاه در حال و آینده محروم کند شامل قاعده اتلاف خواهد بود. از این‌رو ولی مسلمین با توجه به این موارد می‌تواند مجوزهایی برای اموری صادر کند که با توجه به آن متناظر با عدم تجاوز به کیان فرهنگی مسلمین، فرصت‌هایی در زمینه رفاه مسلمین و یا جذب سرمایه‌گذاری در شهر و منابع طبیعی به دست دهد.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

۶- نفی عسر و حرج: خداوند از روی لطف و تفضل، احکام حرجی، سخت و مشقت‌بار را از امت اسلام برداشته است ۷. به بیان دیگر، آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، تکلیف و اجبار به اعمالی که دارای عسر و حرج و مشقت باشد، از سوی خدا، منتفی است (احمدزاده و دیگران، ۱۳۹۴). در شهر اسلامی به عنوان محل تمشیت حاکم اسلامی در تمام سطوح کالبدی، امر ولایی بر آن خواهد بود که کاهش زحمت شهروندان مانند سهولت در حرکت، تسهیل دسترسی به خدمات عمومی، مدنظر قرار گیرد... اینجا حرکت هرگونه نقل‌وانتقال پیاده و سواره خواهد بود. از این‌رو مناسب‌سازی مسیرهای دسترسی به نسبت کاربران اعم از شهروندان عادی، معلولین و کم توانانان جسمی از سویی و وسایط نقلیه از سوی دیگر، شامل این موضوع خواهند بود. به عبارتی عدم تداخل لبه‌های دسترسی، تناسب شریان و کارکرد-سرعت در آن از جمله مصادیق این قاعده هستند. در رویکردی دیگر با آنکه طبیعت می‌تواند عامل مشقت برای انسان باشد؛ شارع بر اساس این قاعده، تلاش می‌کند تا زمینه‌ای برای کنترل و استفاده از طبیعت پیش نهد که در آن سختی شرایط طبیعی کاهش یابد. از دیگر نتایج آن است که تمهید امروز نباید سبب حرج در آینده مسلمین شود. از این‌رو، تمهیدات نگهداشت ذخایر زمین، برخورد با محیط‌زیست و نحوه بهره‌برداری از آن، تنظیم کاربری‌های زمین در شهر، توجه به اصول شهرسازی در تأمین نور و تهویه در کلیت شهر و ... باید به‌گونه‌ای باشد که عدالت در بهره‌مندی از فرصت‌ها را فراهم آورد. تأمین عمران در هر نسل نمی‌پاید باعث حرج در نسل دیگر شود و تأمین آسایش آینده نیز بر این قاعده نمی‌پاید باعث حرج نسل حاضر گردد. هرچند حرجی بودن هر فعل به عوامل خارجی وابسته و چه‌بسا عملی به خاطر عارضه خارجی حرجی باشد اما به واسطه پاداش آن می‌تواند سهل در نظر گرفته شود. در این دیدگاه اگر در مقابل انجام کاری به ظاهر سخت، اجر و مزد فراوانی قرار دهند، آن عمل از سختی خارج و تبدیل به عملی سهل می‌گردد. لذا تنها در صورتی که تأمین آسایش آینده تنها به واسطه حرج در زمان حاضر باشد، چون پاداش آن برای حیات آینده مسلمین لازم است، می‌توان در حال، حرج را تحمل نمود. از این‌رو تغییرات کالبدی علیرغم آنکه ممکن است منجر به سختی در زمانی محدود شود؛ اما از آنجا که موجب تسهیل در آینده است؛ مجاز می‌باشد.

۷- لزوم اعمار و آبادانی زمین: این قاعده به واسطه آنکه در همه زمان‌ها و مکان‌ها و مراتب قابل تسری است، می‌تواند زمینه ورود ولی‌فقیه را در حوزه شهرسازی در همه اقلیم و فرهنگ‌ها فراهم آورد. بر اساس این قاعده هم مردم و هم مسئولین وظیفه عمران و آبادانی زمین را دارند (فلاح سلوکلایی، ۱۳۸۴). عمران به معنای کلان سرزمین و خرد نیز است که در آن آبادان نمودن سرزمین موات، باغ، کشاورزی و ... نیز شامل این قاعده خواهد بود. بدین ترتیب ولی مسلمین با استفاده از نظر خبرگان در مکان گزینی اراضی و کاربری ورود می‌نماید تا بتوان عمران را در بلد اسلامی محقق دانست. در نتیجه ولی مسلمین با تمهیداتی هم بر ایجاد شهرهای جدید، هم اصلاح شهرهایی که کارکرد خود را از دست داده و یا کالبد آن‌ها نیازمند بازبینی است، تأکید دارد. در نتیجه هرگونه دخل و تصرفی متناظر با سایر قواعد که در آن نیازمند تغییرات در شکل شهر موجود یا منظر طبیعی باشد (رنگریز،۱۳۹۸)؛ قابل‌اعتنا است. این موضوع بر موارد کلی محیط‌زیست مانند منابع ملی همچون جنگل‌ها، مراتع، گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی و سفره‌های آب زیرزمینی منطبق است. همچنین طلب عمران در همه حوزه‌ها تکلیفی است بر مسلمان تا از حاکم مطالبه کند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۹).

۸- عدم جواز تعطیل المال: مسلمان نباید ثروت را از چرخه اقتصادی متوقف کند بلکه باید آن را در تولید ثروت و ایجاد اشتغال برای عموم مسلمین به کار ببندد (فراهانی فرد،۱۳۹۶). با توسعه ارکان این قاعده می‌توان دید بهتری از آن به دست داد. از این‌رو نه تنها فرد بلکه هرگونه سازمان مانند بانک و بنگاه‌های اقتصادی که به نحوی مالک بخشی از ثروت جامعه است باید آن را در آبادانی و آسایش شهری به کار ببندد که طی آن ارزش ثروت افزوده‌شده و نیز رفاهی برای شهروندان تأمین گردد. در نتیجه براساس آیه ۳۴ سوره توبه هرگونه بلوکه کردن ثروت از سوی خداوند متعال نکوهیده است (url 1) بالطبع ولی امر مسلمین نیز با ورود در این زمینه، شرایط ایجاد فعل حرام را از بین برده و باعث جریان یافتن امر سرمایه‌گذاری در شهرسازی، حفظ میراث فرهنگی، باز زنده سازی فضاها، مرمت بافت و ابنیه تاریخی، احیای روستا به عنوان قطب تولید و تلاش برای مهاجرت معکوس، می‌شود.

۹- حرمت تجمل و اسراف: تجمل و اسراف دو عمل نکوهیده در اسلام هستند. از این‌رو در حوزه شهرسازی و معماری نیز با عنایت به این موضوع هر عارضه چه در جداره افقی و چه عمودی که در آن هدف بیان ثروت فرد و یا فخرفروشی باشد، از سوی شارع ممنوع است (منوچهری و رهنمایی، ۱۳۹۸). مطابق این حکم، عدم تقسیم شدن شهر به اعیان‌نشین و فقیرنشین مورد تأکید قرار دارد. حاکم اسلامی بر اساس مبانی فقهی می‌تواند توصیه‌هایی بیان نماید که شهر اسلامی از سویی برپایه عدالت تنظیم گردد و نیز قوانین شهری از تعیین امور ابتدایی فراتر رفته

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

و بر کنترل نما و کالبد معماری اشرافی محور ورود نماید (مشکینی و رضایی مقدم، ۱۳۹۳). همچنین ممکن است این عوارض کالبدی نه به علت بیان ثروت که تقلیدی از فرهنگ غربی باشد. لذا با قیاس بر عدم جواز شباهت یافتن لباس مسلمان به غیرمسلمان، ولی امر می‌تواند طی فرامینی از دیدی سلبی مانع این گرایشات کالبدی و سبکی در شهر شده و از دیدی ایجابی زمینه تدوین سبک‌ها و کالبدهایی با محوریت اسلامی می‌شود. به عبارتی شکل شهر اسلامی علی‌رغم آنکه می‌باید به نیازهای روز جامعه و زمان پاسخ بگوید اما باید دارای بیانی اسلامی باشد و در طی توسعه شهر و یا اصلاح مواردی مانند ایجاد خیابان و بزرگراه، توسعه فضای سبز، تنظیم تراکم، تعیین منابع زیستی در شهر و ... مفاهیم فقهی و شرعی رعایت گردد. همچنین ولی‌فقیه می‌تواند برنامه‌ریزی به منظور پیشگیری از ترویج بیش‌ازاندازه سبک زندگی شهری (هاشمی طغرالجردی، ۱۳۹۵) و تجملی و توجه به بهبود امکانات رفاهی جهت زندگی در نواحی روستایی توصیه‌های بیان کند.

۱۰- تعارض و تزاحم: تعارض در زبان فقه به این معناست که دو یا چند دلیل لفظی با یکدیگر در مضمون و مدلول تنافی داشته، مضمون هر یک نفی مدلول و مضمون دیگری را نماید به‌گونه‌ای که عرف، در نگاه اولیه جمع میان آن دو را امکان‌پذیر نداند (دانش پور، ۱۳۹۵) اما از دیدگاه بیشتر علمای اصول، تزاحم به ناسازگاری و تمانع دو حکم که ناشی از قدرت نداشتن مکلّف بر انجام آن دو باشد اطلاق می‌شود (محقق خراسانی، ۱۴۰۹). تزاحم در جایی است که مکلّف در مقام امتثال و انجام تکلیف قادر به جمع بین دو حکم با توجه به تعاریفی که برای تعارض از علمای مشهور اصول شرعی نباشد. فقه ارائه شد، تعارض مربوط به مقام تشریع و قانون‌گذاری است ولی اگر این ناسازگاری مربوط به مقام امتثال و انجام تکلیف باشد و انجام هر دو در زمان و مکان واحد ممکن نباشد، تزاحم نامیده می‌شود (علی‌اکبریان، ۱۳۸۱). ولی‌فقیه به عنوان حاکم شرع، معیار در این موارد می‌تواند با ورود به مواردی از این دست در حوزه شهرسازی مانند عدالت‌گستری در شهر، عدم ایجاد بستر تولید فساد در شهر، مانع بزه گردد. لذا دخالت حاکم در ممانعت از گروه‌محوری در بهره‌مندی از امکانات شهری و تصرف ثروت‌های عمومی به نفع عده‌ای خاص را مجاز دانست.

۱۱- قاعدهٔ تلازم حکم عقل و شرع: یکی از دلایلی که می‌توان برای اثبات وظیفه مندی حاکمیت دینی در قبال مسکن از آن بهره برد، قاعده تلازم میان حکم عقل و شرع است (عطارزاده، ۱۳۹۶). مسکن یکی از اولین نیازهایی است که باعث ایجاد امنیت و ایمنی فرد می‌شود. در این میان مسکن مطلوب زمینه‌ساز رشد فرد و احقاق سلامت روانی و جسمی وی خواهد بود (صادقلو، ۱۳۹۸)؛ به عبارت دیگر عدم وجود مسکن مطلوب خود می‌تواند موجب مفسده شود (فتحی،۱۴۰۰) و لذا عقل نیز حکم می‌کند که ولی به موضوع مسکن با توجه به شانیت فقاهتی وی در تبیین مسکن مطلوب و از منظر حکومتی در تعیین چشم‌انداز شهرسازی و معماری کشور ورود کند. پس هنگامی که مصلحت دار بودن امر مسکن را عقل درمی‌یابد؛ مطابق قاعده تلازم، ضرورت ورود شرعی آن هم دانسته می‌شود.

۱۲-استثناء در سلطنت بر اموال: تسلیط، تسلّط و سلطنت، در اصطلاح علم فقه دارای معنای مشترکی‌اند و به تسلط کامل مالک بر اموال خود به جز در مواردی که شرعاً ممنوع شده است؛ اطلاق می‌شوند (عابدی سرآسیا، ۱۳۹۶). بر اساس قاعده تسلیط، انجام تمام تصرفات ممکن از طرف مالک جایز است، به جز مواردی که منعی داشته باشد (رحمتی، ۱۳۹۹). در نتیجه آنجایی که تصرف معماری وجود دارد می‌تواند در حیطه مالک باشد اما در جداره خارجی که به نوعی در شکل، کارکرد و کالبد شهر مؤثر است؛ در حوزه عمومی است و بالطبع مالکیت خصوصی نخواهد بود (کتاب اللهی، ۱۴۰۰). لذا مالک علیرغم آنکه بر مال خود سلطنت دارد اما در حوزه شهری نمی‌تواند دخل و تصرفی در شهر که منجر به تضعیع منافع عمومی و آسیب به ثروت ملی و آسیب به فرهنگ عمومی است؛ انجام دهد. لذا در اشراف و موضوعات محرمیت، نحوه خروج فاضلاب و بخارهای بنا، تنظیم ارتفاع، شکل و سبک ابنیه، میزان پیش‌آمدگی، ساخت‌وساز و ارتفاع بدنه‌ها متناسب با عرف و عرض معبر و جواز تصرف انسان در ملک خود هرچند همسایه و دیگران متضرر شوند، مثل کندن چاه در مجاورت چاه همسایه، جواز جاری کردن آب و روشن کردن آتش به صورت متعارف در ملک خود و جایز نبودن قیمت‌گذاری اموال احتکار شده یا صحت و لزوم بیع مطالعاتی می‌باید براساس قواعد و قوانینی مانند قانون تملک و بهره‌برداری از مشاعات عمل نماید. چنانچه این مالکیت منجر به از دست رفتن هویت تاریخی-فرهنگی شهر اسلامی شود؛ ولی مسلمین می‌تواند دستور بر اصلاح و یا تخریب آن دهد تا چهره فرهنگی شهر از خطر تغییر هویت محفوظ بماند. در حیطه درونی بنا نیز با آنکه در تصرف مالک است اما براساس قواعد شارع اسلامی سامانه فضایی نباید باعث ایجاد فعل حرام شود. لذا حوزه‌های مشاع و نیز نحوه تقسیم‌بندی کاربری‌ها که ناظر بر محرمیت‌های صوتی-بویایی و دیداری است در حوزه ورود شارع است.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

جدول شماره ۱- تطبیق مفاهیم فقهی در حوزه شهرسازی

موضوع	تعریف	مؤلفه‌ها	مصادیق
مصلحت	اعمالی که انسان را به منافع خود و قومش می‌رساند	استخراج احکام توسط حاکم اسلامی -اجرا حکم در جامعه	حکم در محیط‌زیست شامل شهر و پیرامون و نیز ذخایر طبیعی و ...
احکام متغیر	مقرراتی که امام مسلمین در چارچوب احکام ثابت شریعت، بنابر مصلحت اسلام و امت وضع می‌نماید	ولی امر مسلمین نظر به ولایت عمومی می‌تواند در زندگی عمومی تصرف کند.	وضع مقرراتی برای راه‌ها، معابر، خانه، کاشانه، بازار، نقل، تحویل، کسب‌وکار و روابط طبقات مردم با رعایت احکام ثابتهٔ دین.
منطقه الفراغ و بسط ید	منطقه‌ای که از قوانین الزامی خالی و حاکم، می‌تواند براساس مقتضیّات زمان و در جهت عدالت اجتماعی در آن حکم براند	حوزه قانون‌گذاری در این بخش قرار می‌گیرد	ولی امر می‌تواند مقوله مسکن و شهرسازی را در این منطقه موردتوجه قرار دهد.
قاعده نفی ضرر	حکمی، خواه حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر در شریعت و دین باشد وضع نشده است	ضرر نباید وارد شده و یا موجب ورود آن به اموال عمومی شود	عدم ایجاد زمینه ضرر به بخش‌هایی از شهر توسط دیگری عدم ایجاد ضرر و یا فرصت اضرار در شهرسازی
اتلاف و تسبیب	هدر دادن اموال و فرصت‌های مسلمین خسارت مادی و معنوی به مسلمان	تصویب قوانین اجرای قانون	صدور مجوز عدم تجاوز به کیان مسلمین، فرصت‌هایی در رفاه و یا جذب سرمایه‌گذاری در شهر و منابع طبیعی به دست دهد.
نفی عسر و حرج	عدم صدور تکلیف و اجبار که موجب شود	حوزه‌های کالبدی و زیرساختی شهر نباید موجب مشقت شود	صدور حکم مبتنی بر وضعیت شهروندی از سوی ولی امر کنترل دخالت در طبیعت به منظور آسایش آتی نسل‌ها
لزوم اعمار و آبادانی زمین	آبادسازی سرزمین از وظایف امت و حاکم اسلامی است.	حوزه کلان و خرد در شهرسازی می‌باید رویکردی اعماری داشته باشد.	صدور حکم در مکان گزینی اراضی و کاربری آبادسازی سرزمین موات
عدم جواز تعطیل المال	ثروت مسلمین نباید در موضوعی متوقف شود	ثروت عمومی و ثروت فردی	مسکن نباید به عنوان ثروت دیده شود و شکستن این چرخه می‌تواند با وضع قانون و فرهنگ‌سازی صورت گیرد
حرمت تجمل و اسراف	تجمل و اسراف دو عمل نکوهیده در اسلام هستند	عوارض کالبدی شهر نباید براساس بیان ثروت و یا تقلیدی از فرهنگ غربی باشد	تدوین سبک‌ها و کالبدهای مبتنی بر هویت فرهنگی و تاریخی شهر اسلامی بر عهده حاکم اسلامی است
تعارض و تزاحم	تزاحم به ناسازگاری و تمانع دو حکم که ناشی از قدرت نداشتن مکلّف بر انجام آن دو باشد؛ است	عدالت‌گستری در شهر، عدم ایجاد بستر تولید فساد در شهر	دخالت حاکم شرع در منع گروه‌محوری در بهره‌مندی از امکانات شهری و تصرف ثروت‌های عمومی
تلازم حکم عقل و شرع	آنچه شرع حکم کند نمی‌تواند منطبق بر عقل نباشد	ضرورت شرعی مصلحت در امر مسکن	ولی در تبیین مسکن مطلوب و تعیین چشم‌انداز شهرسازی و معماری کشور ورود می‌کند
استثناء در سلطنت بر اموال	چیره گردانیدن کسی بر دیگری و مسلط کردن با قهر و غلبه	ولی امر بر حوزه‌های عمومی و فردی مسلط است	ولی امر نه تنها بر نمای شهری که در حوزه عمومی است بلکه بر فضای خانه نیز می‌تواند ورود کند

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

نتیجه‌گیری

با ملاحظهٔ مباحث ذکر شده، مسکن را می‌بایست در زمرهٔ اموری دانست که حکومت اسلامی موظف است تا با برنامه‌ریزی دقیق و ورود فعال و منطقی نسبت به آن داشته باشد. در این نوشتار برای دستیابی بدین مقصود، با تعمق در مبانی و کلیات مذکور در عبارات فقها و با استناد به اصول و قواعد فقهی تلاش شد تا حوزه بسط ید ولی‌فقیه به عنوان حاکم اسلامی موردبحث قرار گیرد. از این‌رو با بررسی قواعد و اصول فقه، آن دسته از این مؤلفه‌ها را که می‌توان تطابق کالبدی و یا برنامه‌ریزی شهری در حوزه‌های مکان‌یابی و مکان گزینی و نیز شکل نمای شهری و لکه‌گذاری‌های کلان را موجب شود، دسته‌بندی نمودیم. در ادامه در دو حوزه کلان و خرد شهری من‌جمله شکل شهر و نمای شهری، مصادیق این احکام را که می‌تواند ابزاری برای ورود ولی امر به عنوان حاکم اسلامی، باشد، بیان شد. تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان براساس موضوعاتی مانند مصلحت، احکام متغیر، منطقه الفراغ و بسط ید حاکم شرع، قاعده نفی ضرر، اتلاف و تسبیب، نفی عسر و حرج، لزوم اعمار و آبادانی زمین، عدم جواز تعطیل المال، حرمت تجمل و اسراف، تعارض و تزاحم، تلازم حکم عقل و شرع و نیز استثناء در سلطنت بر اموال حوزه بسط ید ولی‌فقیه در احکام مربوط به شهرسازی را تدوین نمود. این تحقیق با سایر تحقیقات از این دست هماهنگ است از این‌رو که ورود ولی‌فقیه در حوزه شهرسازی تأیید و ابعاد آن تبیین گردید؛ ابزارهای فقهی این ورود کمتر موردبحث قرار گرفته و یا مصادیق اولیه آن طرح شده است.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. -۱۳۹۶، تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۲(۳)، ۱۰۴-۷۹.

۳. ابوالحسنی، علی‌اکبر ۱۳۸۷ واکاوی برخی از عوامل تغییردهنده حکم و وظیفه شرعی مکلف، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی) دوره ۵، شماره ۱۴؛ صص ۲۷ -۵۰.

۴. احمدزاده عبدالمطلب جلالی خداداد اسماعیل‌زاده شیما ۱۳۹۴، کاربرد قواعد فقهی (نظیر قاعده نفی حرج و قاعده غرور) در عصر ارتباطات، علوم خبری سال چهارم شماره ۱۴

۵. اراکی، محسن، ۱۳۹۹، سلسله جلسات هم‌اندیشی فقه نظام، انتشار یافته ۱۳۹۹/۱۰/۱۰، https://www.neshasteasatid.com/node/۵۶۵۹

۶. اسدی بهنام ۱۳۹۷ اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران قانون یار، د ۲، ش ۸؛ از صص ۵۵۵ -۵۷۷.

۷. امینی، عیسی، محمدی نژاد، سمیرا. ۱۳۹۱. نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن لا. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۵(۱۸)، ۱-۲۲.

۸. بالوی، مهدی، بیات کمیتکی، مهناز، زارع مهذبیه، مرجان. ۱۳۹۹. حکم حکومتی و مصلحت عمومی. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۲(۲)، ۴۷-۶۵. doi: 10.22034/mral.2020.127952.1025

۹. پورعزت، علی‌اصغر، مختاریان پور، مجید، تابان، فاطمه. ۱۳۹۹. ارزش‌های سیاسی در حکومت حضرت علی (ع). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، ۸۳-۱۰۰.

۱۰. تقوی اشتهاردی، حسین. ۱۳۸۵. تنقیح الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۱. حرّ عاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۸ ه.ق. الفصول المهمهٔ فی أصول الأئمهٔ (تکملهٔ الوسائل). قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام.

۱۲. جوان آراسته، حسین. ۱۳۸۶. مبانی حکومت اسلامی. قم: نشر موسسه بوستان کتاب.

۱۳. دانش پور، افتخار. ۱۳۹۵. بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی. فقه مقارن، ۴(۸)، ۱۵-۴۵.

۱۴. دانش نهاد، محمد، علیشاهی، ابوالفضل. ۱۳۹۸. نقش قاعده «احسان» در نفی و ایجاب مسؤولیت مدنی دولت. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱(۲۰)، ۱۴۷-۱۷۰. doi: 10.22075/feqh.2018.13543.1377

۱۵. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۴۲. فرهنگ دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

۱۶. دیلمی، احمد. ۱۳۹۹. معیار و ضابطه اتلاف. فقه، ۲۷(۱۰۱)، ۳۶-۶۲. doi: 10.22081/jf.2020.68885

۱۷. رحمتی، حیدر. ۱۳۹۹. مبانی پذیرش قاعده تسلیط و محدودیت‌های آن. مطالعات حقوق، ۳۸(۵)، ۱-۱۶.

۱۸. رجبی. ۱۴۰۰. مفهوم‌شناسی فقه نظام و نسبت‌سنجی آن با نظام سازی در دیدگاه آیت‌الله محسن اراکی. فقه نظام، ۱(۱)، ۵-۲۸.

۱۹. رمضانی قوام‌آبادی محمدحسین. ۱۳۹۲ حفاظت از محیط‌زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۱۸ (۶۳): ۱۴۰-۹۳

۲۰. رنگریز، حسن. ۱۳۹۸. طراحی الگوی حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی (ع) به مالک اشتر. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷(۱۵)، ۵۵-۸۴.

۲۱. رئیسی، محمدمنان. ۱۳۹۶. تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی. مطالعات شهری، ۶(۲۴)، ۳-۱۶.

۲۲. سیفیان، محمدکاظم. ۱۳۷۶. قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی. هنرهای زیبا، ۷۳، ۳.

۲۳. شریفی، عنایت. ۱۳۹۴. منشأ الزام در احکام فقهی و شرعی. حقوق اسلامی، ۱۲(۴۴)، ۶۷-۸۷.

۲۴. شوشتری مرعشی، سید محمدحسن. ۱۴۲۷. دیدگاه‌های نو در حقوق. تهران: نشر میزان.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

۲۵. شهیدی پاک محمدرضا ۱۴۰۰ مبانی نظری شهرنشینی و شهرسازی و قواعد رفتار شهروندی در تمدن اسلامی، ادوار نظریه شهری از پیامبر (ص) تا نظریه شهری ابن خلدون، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی پیاپی ۳۵

۲۶. شیرازی، علی. ۱۳۹۸. بررسی مقایسه‌ای جایگاه مشورت در نظریه‌های مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشورتی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸(۳۰)، ۸۹-۱۰۹.

۲۷. صادقلو طاهره، احمدی سودابه، محمودی حمیده.۱۳۹۸، تحلیل و بررسی اثرات کیفیت مسکن بر سلامت (جسم و روان) روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره ۸، شماره ۳ (۲۶ پیاپی)؛ صص ۵۹ -۸۰.

۲۸. صدر، سید محمدباقر. ۱۴۱۷ ه.ق. اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۹. صرامی، سیف‌الله. ۱۳۸۰. احکام حکومتی و مصلحت. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت.

۳۰. سیفیان، محمدکاظم ۱۳۷۷. قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی. هنرهای زیبا، ۳

۳۱. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۲. عابدی سرآسیا، علیرضا. ۱۳۹۶. قاعده تسلیط و نقش آن در تصحیح قراردادهای نوپیدا (با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی (س)). پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۵)، ۱۲۹-۱۵۴.

۳۳. عطار زاده مجتبی ۱۳۹۶، تلائم عقل و شرع در اندیشهٔ حکومت اسلامی امام خمینی.۱۳۹۶/۰۱/۲۷ -www//http:imam-kho meini/fa/ir

۳۴. علی‌اکبریان حسنعلی ۱۳۸۱، جایگاه حکم ولایی در تشریع اسلامی، حکومت اسلامی شماره ۲۴

۳۵. عمیدزنجانی، عباس علی. ۱۴۲۱. فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳۶. عندلیب حسین ۱۳۹۷، بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی، فقه و حقوق معاصر سال ۴، شماره ۶ بهار و تابستان ۱۳۹۷ / Vol.4, No6, Spring & Summer 2018 صص ۵ تا ۲۶

۳۷. فاضل لنکرانی، محمد. ۱۴۲۵ ه.ق. ثلاث رسائل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

۳۸. فتحی عبدالله ۱۴۰۰، قوانین مسکن و شهرسازی، ظرفیت‌ها و چالش‌ها، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، منتشر شده در ۱۶ تیر ۱۴۰۰، http://cmirq.ir/fa/news/show/3944

۳۹. فراهانی فرد، سعید. ۱۳۹۶. کارکرد اقتصادی دین اسلام (توزیع ثروت و درآمد). قبسات، ۲۲(۸۶)، ۱۰۳-۱۲۸.

۴۰. فلاح سلوکلایی، محمد،۱۳۸۴ سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی (ع) معرفت شماره ۹۳،

۴۱. فقیهی، سید مهدی. ۱۳۹۱. شکوه کارآمدی فقه سیاسی. قم: زمزم هدایت.

۴۲. فیّاض کابلی، محمد اسحاق. ۱۴۲۶ الأنموذج فی منهج الحکومة الإسلامیة. قم: دفتر حضرت آیت‌الله فیاض.

۴۳. قلندریان گل خطمی، ایمان، حقیقت‌بین، مهدی. ۱۳۹۵. کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن. شیعه شناسی، ۱۴(۵۵)، ۶۹- ۹۸.

۴۴. قیصری، دکتر نورالله، خانی آرانی، الهه. ۱۳۹۰ ایده ولایت‌فقیه در عصر غیبت در اندیشه سیاسی امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۳(۵۱)، ۱۰۵-۱۳۰.

۴۵. کاویار حسین مهاجری مریم، ۱۳۹۶، تحلیل نظریه منطقةالفراغ و احکام حکومتی در آرای شهید صدر، مطالعات اصول فقه امامیه، دوره ۹۶، شماره ۲ - شماره پیاپی ۸، ۹۶، صص ۳۳-۶۲

۴۶. کتاب اللهی، کسری، مولایی. ۱۴۰۰. تبیین احکام و اخلاق اسلامی در فرآیند تملک اراضی شهر ایرانی-اسلامی. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای.

۴۷. لاریجانی، علی، غلامی ابرستان، غلامرضا. ۱۳۹۰ رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۴(۱۶)، ۶۵-۹۲.

۴۸. لک زایی، نجف، فلاح، محمود. ۱۳۹۴. بررسی جایگاه نظام اجتماعی در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی. سپهر سیاست، ۲(۳)، ۱۱۳-۸۳.

۴۹. محقق خراسانی، ۱۴۰۹ ه.ق، کفایة الاصول، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق؛

۵۰. محمودیان نازلی، عربیان اصغر، ۱۳۹۵، بررسی تفاوت‌های مسائل اصولی و قواعد فقهی از دیدگاه فقه امامیه، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، موسسه سفیران فرهنگی مبین، دوره ۲

۵۱. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحارالانوار. بیروت: دار الأحیاء تراث عربی.

۵۲. مشکینی، ابوالفضل، رضایی مقدم علی، ۱۳۹۳، بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی ایرانی، شهر پایدار دوره اول زمستان ۱۳۹۳ شماره ۱

۵۳. مشکینی، میرزا محمدحسین.۱۳۷۳. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب. تهران: المکتبة المحمدیه.

۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵۵. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱. اسلام و مقتضیات زمان. قم: صدرا.

۵۶. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۷ ه.ق. القواعد الفقهیه. قم: انتشارات امام علی علیه‌السلام.

۵۷. معلوف، لوئیس. ۱۳۷۷. المنجد. ترجمه: مصطفی رحیمی اردستانی. تهران: انتشارات صبا.

۵۸. منتظری، حسین علی. ۱۴۲۹ خ.ق. حکومت دینی و حقوق انسان. قم: ارغوان دانش.

۵۹. منوچهری میاندوآب ایوب، رهنمایی محمدتقی ۱۳۹۸. تحلیلی

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران مورد: شهر تهران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا. ۲۳ (۱): ۱۱۶-۸۵

۶۰. موسوی، صادق، امیر، علی‌اصغر. ۱۴۰۰. اجتهاد سیستمی؛ خلأ موجود در استنباط احکام مالکیت در فقه امامیه با مروری بر روش اجتهادی امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۲۳(۹۰), ۱۵۶-۱۲۵. doi: 10.22034/matin.2021.137348

۶۱. موسوی خمینی، روح‌الله. ۱۳۷۳. ولایت‌فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.

۶۲. میرحسینی، سیداحمد، آب‌سواران، حسن. ۱۳۹۳. بازپژوهی قاعدهٔ تسبیب و نقد قوانین آن. آموزه‌های فقه مدنی، ۶(۱۰), ۱۴۶-۱۲۵.

۶۳. نراقی، احمد. ۱۴۱۷. عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۶۴. هاشمی طغرالجردی سید مجید ۱۳۹۵. ارزیابی و نقد مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری پیرامون هویت اسلامی شهرسازی و معماری ایران. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۴ (۳): ۳۹-۲۲

منابع اینترنتی

1. Url1: پایگاه حوزه نت، تاریخ انتشار: ۱۰/۵/۱۳۹۸، گوهرناب، قرآن در کلام رهبری قرآن در کلام رهبری –.https://hawzah net/fa/goharenab/View

2. Url2 خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۸۶ پیام به مناسبت آغاز به کار سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، .https://farsi khamenei.ir/message-content?id=249

3. url3: خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۹۵ ابلاغ سیاست‌های کلی «خانواده»، https://farsi.khamenei.ir/news-con- tent?id=34254

4. Url4 خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۸۶ ابلاغ سیاست‌های کلی «محیط‌زیست»، https://farsi.khamenei.ir/news-con

5. Url2 خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۸۶ پیام به مناسبت آغاز به کار سومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، https://farsi.khamenei.ir.

6. url3: خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۹۵ ابلاغ سیاست‌های کلی «خانواده»، https://farsi.khamenei.ir.

7. Url4 خامنه‌ای، سیدعلی،۱۳۸۶ ابلاغ سیاست‌های کلی «محیط‌زیست»،https://farsi.khamenei.ir.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

The Presence of the Velayat in Determining the Urban Planning Laws

Behzad Vasigh*[1] / Mehdi Zare[2]

Received: 12/08/2023 Accepted: 02/05/2024 Available online: 03/20/2024

Abstract

In the religious government, vali fagih is responsible for overseeing the affairs and determining the policies of the Islamic society. One of these issues is shelter and housing provision. In this regard, the vali fagih of the Province applies his velayat in the rules of architecture and urban planning. In this research, an attempt is made to explain the field of velayat in issuing a provincial order based on velayat. The research method is based on ijtihad and information collection based on library data. The research test will also be based on logical inference. The results of the research show that it can be based on issues such as expediency, variable rulings, the mantage-e-Faragh and the baste yad, nafye zarar, etlaf, nafye asr, talazom, saltanat, but the faghih compiled the rulings related to urban planning.

آباد

Vol. 28, No. 89, Spring 2024

7-18

Keywords: Islamic government, Velayat, residential architecture, urban planning, feghh.

1- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi Shapur University of Technology

2- Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Jundi Shapur University of Technology

* Corresponding author: vasigh@jsu.ac.ir

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]